

عمیقتر ما از جهان پیرامون می‌شود. نمادهای زرتشت می‌توانند ریشه در گذشته‌ای دور در ذهن بشر داشته باشند و مفاهیمی باشند که زمانی مصداقی بسیار ساده و نزدیک داشته‌اند اما به مرور رنگ و بویی استعاری به خود گرفته است تا پاسخگوی مفاهیم پیچیده‌تری بنا به نیاز رشد ذهنی جوامع باشند.

منابع

- پورداود، ابراهیم: ۱۳۸۴، گات‌ها، تهران: اساطیر.
- پورنامداریان، تقی: ۱۳۷۸، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- جولیان، جینز: ۱۳۸۶، خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دو جایگاهی، ترجمه شیوا دولت‌آبادی، تهران: آگه.
- چدویک، چارلز: ۱۳۷۵، سمبولیسم، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: نشر مرکز.
- عالیخانی، بابک: ۱۳۷۹، بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی، تهران: هرمس.
- نیبرگ، ساموئل: ۱۳۸۳، دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- یونگ، کارل گوستاو: ۱۳۷۷، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.

-Humbach, H: ۱۹۵۹, *Die Bathas de Zarathustra I Einleitung, Text, Übersetzung paraphrase II, Kommentar*, Heidelberg.

- Insler, S: ۱۹۷۵, *The Gathas of Zarathustua*, (Acta Iranica ۸), Leiden.

ترجمه و بررسی تحلیلی نامه‌های کهن سغدی (نامه‌ی اول)

سعید نظری^۹

چکیده

سغد نام باستانی منطقه‌ای در اطراف دره بدخشان در ماورالنهر و مرکز این منطقه شهر سمرقند بود. سغدیان در زمان ساسانیان به دلیل فعالیتشان در بازرگانی و بخصوص تجارت با چین و هند معروف بودند و یکی از قطب‌های اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌آمدند. از زبان سغدی در دوره ایران میانه آثار بسیاری بر جای مانده که یکی از مهم‌ترین آنها، نامه‌های کهن سغدی است. نامه‌های کهن سغدی به زبان و خط سغدی به سال ۱۹۰۷ میلادی توسط سر "اورل استاین" در یکی از برج‌های نگهبانی دیوار چین بدست آمد و این اسناد شامل پنج نامه کامل و چهار

^۹دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج.

تکه پاره نامه مانند است. نامه های سغدی تحولات سیاسی و اجتماعی مردمان آن روزگار چین را بازگو می کند. نامه نخست سغدی از طرف دختری از اهالی "دون هوانگ" خطاب به همسرش نوشته شده است.

واژه های کلیدی : سغد ، نامه های کهن سغدی ، شهرهای چین.

مقدمه

از سغد به عنوان یکی از استانهای امپراطوری هخامنشی در سنگ نبشته بیستون (داریوش اول) یاد می شود. اکنون سغد ازبکستان جنوبی و تاجیکستان غربی را دربرمی گیرد. مردمان سغد تاجر و از طریق بازرگانی و کشاورزی روزگار خود را می گذراندند. آثار مکتوب سغدی از نزدک سمرقند تا یکی ازبرج های دون هوانگ



^{۱۰} و از مغولستان داخلی تا دره سند در شمال پاکستان کشف شده است. زبان این سرزمین زبان سغدی خوانده می شود. از زبان سغدی در دوره باستان اثری برجای نمانده است، ولی در دوره میانه آثار نسبتاً زیادی از آن به دست آمده است. زبان سغدی بر اثر نفوذ زبان فارسی میانه و زبان های دیگر از رواج افتاد و تنها تا قرن ۱۱ میلادی بدین زبان تکلم می شد. زبان سغدی از آن پس جای خود را به زبان یغناپی (Yaghnābī) داد که امروزه در دره یغناپ در میان کوههای زرفشان بدان سخن گفته می شود. آثار سغدی شامل نوشته های روی سکه، سفالینه، نسامه های کهن سغدی، کتیبه افراسیاب، آثار کوه مغ، آثربودایی، مسیحی، مانوی و چندین اثر گرانبهای دیگر است.

نامه های کهن سغدی

از نظرتاریخی سکه نوشته های سغدی که تاریخ آنها به قرن دوم میلادی می رسد کهن ترین نوشته های زبان سغدی اند؛ اما پیشتر این سکه ها از قرن پنجم میلادی به بعد ضرب و در زادگاه قوم سغد به ویژه در نواحی بخارا و سمرقند پیدا شده اند. سکه نوشت ها فقط اطلاعاتی درباره ی نام ها می دهند و محتوای قابل ملاحظه ای ندارند.

در سال ۱۹۰۷ باستان شناس شهیر مجاری سراورل اسستای کاوش هایی را در مسیر جاده ابریشم انجام داد که آثار بسیار گرانبهایی از این مناطق به دست آمد. این اسناد دریکی از بزرگ های دیده بانی مخروطی سلسله "هان" در ۹۰ کیلومتری غرب دون - هوانگ در ایالت گانسو^{۱۲} (بین دون - هوانگ و لویانگ) و ۵۰ کیلومتری شرق لولان^{۱۳} در محوطه ی باستانی "T.XII.a" (نک. نقشه شماره: الف) به دست آمد

(sogdian ancient letters, p.۱) نامه های کهن سغدی به زبان و خط سغدی توسط سغدیان مقیم سین - کیانگ^{۱۴} (ترکستان چین) و گانسو خطاب به هم وطن هایشان در غرب (سغدیانا و سمرقند) و برخی از نواحی منتهی به چین نظیر دون - هوانگ سوز - هو^{۱۵}، گوزانگ^{۱۶} و جین - چنگ^{۱۷} نوشته شده که میان شهرهای مزبور و خاک اصلی سغد (بخ صوص سمرقند) رابطه بسیار نزدیک وجود داشته است. نامه های مزبور، تحولات سیاسی در چین شمالی، ناامنی راهها، مشکلات و مسائل

^{۱۲} شهرستان دون - هوانگ Dun - huang در شهر جیاو - گوان شرق ایالت گانسو واقع است این شهر مرزی دروازه راه تجاری آسیای مرکزی محسوب می شد که به سال ۱۱۷ قبل از میلاد توسط امپراطوری وودی Wudi از سلسله ی هان تاسیس شد. شهردون - هوانگ آخرین منزلگاه حفاظت شده برای مسافرین و بازرگانان جاده ابریشم و تجار قبل از حرکت به سوی سین - کیانگ بود. این شهر محل تقاطع دو شاخه مهم جاده ابریشم بوده است.

^{۱۳} سر اورل استاین Sir Aurel Stein در ۲۶ نوامبر ۱۸۶۲ در بوداپست مجارستان چشم به جهان گشود. استاین برای ادامه ی تحصیل در رشته ی زبانهای شرقی و باستانشناسی عازم انگلستان شد و در آنجا موفق به کسب درجه دکتری گردید. وی در سال ۱۸۸۸ میلادی به هند رفت در آنجا ده سال اقامت داشت. سپس این شرق شناس، تحقیقاتش را درباره ی آسیای میانه و خاور نزدیک شروع کرد. نخستین سفر استاین (۱۹۰۰ - ۱۹۰۱) صحرای تاکلامکان بود سفردوم وی آسیای میانه (۱۹۰۶) بود که در این سفر، سراسر شاخه جنوبی جاده ابریشم را که گرداگرد تاکلامکان کشیده می شد طی کرد تا به شهر باستانی لولان رسید و در آنجا بر روی مکان های باستانی خادلیک، نیا و چند محوطه دیگر به کاوش پرداخت. استاین در سفر سوم خود، به سال ۱۹۱۴ به دون - هوانگ بازگشت و کاوشهای را در غارهای هزار بودا انجام داد. این باستانشناس در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۹۴۳ درگذشت. (www. the Hungarian Quarterly vol: xl iii , no: ۱۶)

^{۱۴} گانسو (Gansu یا Kan-su) در شمال شرقی چین واقع شده است. گانسو در مسیر جاده ابریشم نقش به سزایی در تبادلات اقتصادی و فرهنگی بین چین و غرب داشت.

^{۱۵} لولان (lou - lan) یا کوروانا شهر تجاری کوچک و مترقی با تاریخی ۱۶۰۰ ساله بوده است. جمعیتی چهارده هزار نفری، هم مرز دون - هوانگ و شهر نیا و در غرب دریای لوپ نور - شمال شرقی واحه تاریم - واقع شده بود. این شهردر سال ۱۷۶ قبل از میلاد توسط سلسله ی هان بنا شد. لولان قلب جاده ی ابریشم محسوب می شد و پل ارتباطی چین به غرب بود چنانکه بازرگانان نواحی مختلف برای عبور از جاده ی ابریشم، مدتی را در این منطقه گرد می آمدند. لولان با شهرتی که بدست آورده بود، در سال ۶۳۰ میلادی پس از هشتصد سال درخشش ناگهان از صحنه روزگار محو شد. باستان شناسان معتقدند که شرایط بد آب و هوا و طغیان رودخانه ها و نیز تغییر مسیر جاده ابریشم، این شهر را متروک ساخت.

^{۱۶} سین - کیانگ (xinjiang) نامی چینی و به معنی رودخانه غربی است. در زبان فارسی آنرا ترکستان چین نامیده اند. مرکز آن اورومچی Urumqi و از شهرهای مهم آن کاشغر، ختن و ترفان است. ایالت سین - کیانگ در زمان سلسله کینگ بدین نام خوانده شد.

^{۱۷} امروزه سوز - هو Suzhou با نام جیاو - گوان خوانده می شود جیاو - گوان در شمال غرب ایالت گانسو است و هم چون شهرهای دیگر ایالت در جاده ابریشم از اهمیت خاصی برخوردار بود.

^{۱۸} امروزه گوزانگ Guzang با نام وو - وی Wuwei خوانده می شود. وو - وی در شمال شرقی گانسو واقع است. امروزه جین - چنگ Jincheng تحت عنوان لان - جو Lanzhou مرکز گانسو است که در شمال این ایالت واقع شده است.

تجاری در سغد، شرایط زندگی و فعالیت روزمره بازرگانان ساکن در لویانگ^{۱۸} را بازگو می کند (Sims – Williams, ۲۰۰۱, p. ۴۷.)

بنظر می رسد که دست نوشته ها درکیف پستی در مسیر عبور از مرکز چین به غرب توسط نگهبانان مرزی چین صادره گردیده است و هرگز به مقصد نرسیده است. تاریخ نگاران براین باورند که قاصدان موفق نشده اند به منزل مقصود برسند، آنها به گرداب حوادث سخت و ناگوار افتاده اند اگرچه کوشیده اند در برج برای خود پناهی پیدا کنند و این کوشش نافرجام مانده، آنها کشته شده و کیسه نامه هـا، شـهـانـزده قـرن در خرابـه هـای برج مدفون شده اند. این اسناد پنج نامه کامل و چهار تکه پاره شبیه به نامه است که پیچیده در ابریشم قهوه ای رنگ درون یک پاکت پارچه ای زبر از جنس کتان به دست آمد (نک. تصویر شماره دو). تمام نامه ها تا شده و این تا خوردگی، نوشته های نامه ها را تا حد امکان محفوظ نگاه داشته است. آسیب دیدگی های جزئی در لبه بیرونی برخی از نامه ها دیده می شود. کـاغـذهای مربع شکلی که این نامه ها بر روی آن نوشته شده، از لحاظ اندازه ابعاد از نظمی ویژه برخوردار بوده است که خود بیانگر اندازه ای استاندارد، برای این اسناد است. عرض نامه های سغدی در حدود ۲۲ سانتیمتر است که اندازه استاندارد نامه های آن روزگار بوده است.^{۱۹}

(Stein, Aurel, ۱۹۲۱, v.۲, chap. xviii, ۶۷۱)

پژوهشگران در مورد تاریخ دقیق تحریر نامه ها اختلاف نظر دارند. اورل استاین از دیدگاه باستان شناسی موفق به تعیین زمان دقیق نامه ها شد و زمان نامه ها را سال ۱۳۷ میلادی دانست. "هینینگ" نظریه استاین نیمه اول قرن دوم را رد کرده، معتقد است حوادث و اتفاقاتی که در نامه دوم، یعنی تاراج و ویرانی شهر لویانگ ویه^{۲۰} و فرار امپراتور توسط هـنـونـها، رخ داده است مربوط به سال های ۳۱۱ و ۳۱۲ میلادی است. از طرفی "هارمات" معتقد است که اتفاقاتی که در نامه ی دوم بدان اشاره می شود به سال های ۱۹۰ تا ۱۹۵ میلادی رخ داده است و "فوجیدا"، تاریخ نامه ها را قرن شش میلادی می پنداشته و سرانجام به پیروی از هنینگ، سیمز ویلیامز معتقد است که ویرانی شهرهای "لویانگ ویه" و فرار امپراتور از لویانگ به سال ۳۱۱ میلادی اتفاق افتاده است. از این رو تاریخ نامه دوم را در همین سال ها می داند.

(Iranica - Hening, Walter Bruno. ۱)

نامه ی نخست:

نامه نخست سغدی در سال ۱۹۰۷ با ابعادی در حدود ۲۲ × ۴۰ سانتیمتر به صورت تاخورده و درحالی که با نخ محکم بسته شده بود، در محوطه باستانی "T. XII.a" در غرب دون - هوانگ به دست آمد. در گوشه فوقانی نامه، تا خوردگی ای مشاهده می شود که بر روی آن نشانی نامه در سه سطر کوتاه نوشته شده و پاره ای از خطوط آن (نیمی از آن) با گذشت زمان از بین رفته است. در بخش تاخورده (متن نامه) ظاهراً دوازده سطر نوشته شده که به دلیل سهل انگاری در حفظ

^{۱۸} از ایالت های باستانی چین Henan یا وسعتی در حدود ۱۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع است. شهرهای مهم آن عبارتند از: لویانگ Lo-yang یا Luoyang، آنیانگ Anyang و کایفنگ Kaifeng. لویانگ یکی از شهرهای شمالی Henan است که از نظر تاریخی قدمتی کهن داشته و سالیان سال پایتخت سلسله های بزرگ چین بوده است. و از آن به عنوان یکی از هفت پایتخت بزرگ باستانی چین یاد می کنند. در این شهر اولین معبد بوداییان چین به قرن ۱۶ میلادی واقع شده است.

^{۱۹} با بررسی و مطالعه نامه ها متوجه می شویم که نامه ها مطابق با الگوی سنتی نوشته شده اند؛ به عبارت دیگر نامه ها با سبک ساده و به زبانی متداول محاوره ای حاوی مقدار بسیاری لغات ساده می باشد که در زندگی روزمره به کار رفته است. نامه با عبارت مودبانه و احوال پرسی خاص شروع و با نام نویسنده، گیرنده، محل و تاریخ نامه به پایان می رسد. بروی پاکت نامه آدرس گیرنده و فرستنده با ساختار نامه های امروزی نوشته شده است.

^{۲۰} شهرستان "یه" Ye یکی از شهرهای باستانی چین در شهر آنیانگ در ایالت Henan واقع شده است. این شهر سالیان سال برای پادشاهان سلسله شمالی حایز اهمیت بود. و در زمان سلسله ی Wei شرقی و کی Qi شمالی به عنوان پایتخت برگزیده شده بود.

نامه، بخش های میانی آن (خط یک تا شش) از بین رفته است (نک. تصویر شماره: یک) نیز: (Reichelt, ۱۹۳۱, vol.۲, ۷).

نامه از طرف دختری پریشان حال از اهالی دون - هوانگ به نام " میوانای " Mēwānāy خطاب به مادرش "چاییتس" čatis نوشته شده است. شوهر میوانای مدتی برای سفری ماموریت دولتی به جایی رفته و او از مادر اجازه می خواهد تا نزد وی برود؛ اما بنا به دلایلی - شاید مخالفت اقوام همسرش برای دیدن مادر - از روحانیون و بزرگان محل تقاضای کمک می کند. از مفاد این نامه دریافت می شود که بین دختر و مادر فاصله مکانی بسیاری وجود دارد. علاوه بر این هیچ گونه رابطه ای بین دختر و مردان نامبرده در نامه وجود ندارد و حتی به نام همسر دختر، مکان، محل، و تاریخ نامه نیز اشاره ای نشده است.

حرف نوشت:

| | | | |
|----|---------|----|-----------|
| MN | δwγδr | 'D | pryw |
| | myw'nyh | | m'th |
| | "z'tčh | | [č't/ysh] |

۱ [MN δw]xδryh myw'nyh ۱ "z["tčh 'D [p]ryw m'th č'tysh ۲

["]pryw nm'[čyw]

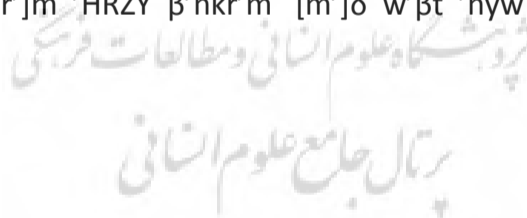
۲ 'PZYš šy[r] YWM ZKZYβ XZYH ZY δrwčh 'nčyh 'HRZY[mn ۳

ZK] YWM prtr ZY 'YKZY-βn [xwt]y wyn'ym - (n) ۴

۳ pr δrwst'[t]wh 'HRZY-m ° 'nm''k ۶ k'δyw 'PZYβ wyn'ym ۷ 'HRZY

βxtk nyst 'HRZY-m

۴ ptškw't s'y'r'k β'nk[r']m 'HRZY β'nkr'm [m']δ w'βt 'nyw ZY



۱. این واژه را می توان بصورت mywz'yh حرف نویسی کرد.

۲. رایشلت، هینینگ و سیمز ویلیامز: واژه ی čatis را اسم زنی می پندارند بنابراین با توجه به اینکه در اسناد Niya (منطقه ای نزدیک لوپ نور چین) زنی با این نام دیده شده این واژه را čatis حرف نویسی می کنیم (Henning, W.B, ۱۹۴۸, ۶۰۳)

۳. رایشلت: ضمیر اول شخص مفرد -m. با توجه به بافت جمله آنرا اول شخص جمع -mn تصحیح می کنیم .

۴. رایشلت: فعل را اول شخص جمع wyn'ymn حرف نویسی کرده از این رو با توجه به بافت جمله این فعل را اول شخص مفرد

wyn'ym تصحيح مي كنيم و پسوند -n را شناسه تاكيدي مي گيريم .

۵. رايشلت: //ym . پس اين واژه را بصورت 'HRZYm تصحيح کرده است.

۶. ريشه نا معلوم است و مي توان بصورت 'zm''k تصحيح کرد درحاليکه سيمزر ويليامز اين واژه را به معنای "مشتاق" ترجمه مي کند.

۷. رايشلت حرف نويسي نکرده است بنا براین براساس بافت جمله بصورت wyn'ym مضارع اول شخص مفرد بازسازي مي كنيم .

mδ' nny[δt] ١ pntw

۵ nyst 'YKZY 'rtyβ'n ٢ 'HRZY - m ptškw't 'rtyβ'n 'HRZY m'δ w'βt

prnxwnt ZY

٦ 'xšnyβnt ٣ 'HRZY čnw L' nm'w 'pδβyr't L' nm'w ptxwt 'HRZY

prnxwnt

٧ m'δ m'δ w'βt kδZY nyš kt'w'ntk ywtm L' ptsynt 'PZYtn

šw'y pyts'r 'k'w

٨ m'th 'YKZYt ٤ 'zw škr'n 'HRZY pčks' 'YKZY nmčw' s'n ٥

tys't 'HRZY 'st kδ

٩ nnyδt tys't 'HRZY 'zw'm βyzβr'k 'pw ny'wδn 'pw 'ny'mk ٦

'HRZY xwyz'm ٧ p'rh ٨ 'HRZYm m'δ wytw δ'rt

١٠ 'HRZYm nyδk nmt δβrt 'HRZY ptwyδ'm 'č βynptw ZKw

srδm'nytw

11 'HRZY kδ šwy 'HRZYtn 'zw 'xwštrw δβr'n 'HRZY mrt'xmk

šwy'

۱. رايشلت: znyδt

۲. سيمزويليامز: Artewan

۳. سيمزويليامز اين واژه را ترجمه نکرده است، پس با توجه به ترجمه رايشلت واژه را به اين صورت ريشه يابي مي كنيم : * < 'xšnyβnt 'xšnēv-βnd- < * xšnāv(a)y(a)-βnd- که معنای اين واژه " خشنودي خدمتکاران" است.

۴. رايشلت: ضمير دوم شخص جمع -tn بنا براین با توجه به بافت جمله آنرا بصورت ضمير دوم شخص مفرد -t تصحيح مي نماييم .

۵. ريشه نامعلوم است.

٦. مي توان بصورت 'zy'mk تصحيح كرد .
 ٧. رايشلت: xw'n'm و هينينگ : xps'm
 ٨. رايشلت: p'nh به معنای " در ميز غذا، خوان".

'HRZY 'wy r'dyh

١٢ šyr'kk kwn'n 'HRZYm wytwr kwny 'PZYm dygh prstyy.

آوانوشت:

| | | | |
|---------|--------|---------|-------|
| čan | duɣdar | ar | parēw |
| mēwānīh | | māt | |
| āzātč | | [čatis] | |

١ [čan du]ɣdarya Mēwānāy āz[ā]tč ar [p]arēw māt čatis [ā]friw
 namā[čyu]

٢ utəti – š ? ši[r] mēθ xoti – fa wēn ti druč ančay erti – [man xō] mēθ
 fratar ti kaɖuti – fan [xut]ē wēnēm – (n)

٣ par δrustā[t]u erti – m anmāk kāɖyu utəti – fa wēnēm erti baxtē
 nēst erti – m

٤ patškwāt Sāyarak bānka[rā]m erti bānka[rā]m [mā]δ wāβt anyu ti
 maɖa Nanai[– dat] pan(d)taru

• nēst kaɖuti Artewan erti – m patškwāt Artewan erti māδ wāβt
 Farn – xund ti

٦ əxšnē – βandē erti čānu nē namu (ə)paθβērāt nē namu patxut erti
 Farn – xund

٧ māδ māδ wāβt kaɖūti niš katāwandē xwatam nē patsēnd utəti – tan
 šawe patsār (ə)kō

٨ māt kaɖuti – t azu škarān erti pačkasa kaɖuti nmčw' s'n tisāt
 erti ast kaδ

٩ Nanai – dat tisāt erti (ə)žawām βəžβarē (ə)pu niyōdan (ə)pu
 anyāmē erti xwēzām pār erti – m māδ waydu dārt

١٠ erti – m nēdē namat δbart erti patwēdām ač βayn-patu awu
 sarɖmānētu erti kaδ

۱۱ šawe erti – tan azu axuštru δbarān erti martəxmē šawya erti awi
rāθī

۱۲ širē kunān erti – m witūr kunē utəti – m δiya frastaye.

برگردان:

از: دختر میوانای نجیب زاده

به: مادر (ش) چایتس

۱. از طرف دختر میوانای نجیب زاده به مادر (ش) چایتس آفرین و نماز (او) را

۲. پس او (همسرش) روز خوب (خواهد داشت) آنکه ترا سلامت و آرام بیند پس برای ما
آنروز بهتر (خواهد بود) چون خودم

۳. ترا در سلامت ببینم و بسیار مشتاقم که ترا ببینم و بخت نیست
(= بخت آنرا ندارم)

۴. آنگاه من عرض کردم به ساگآراک رایزن و رایزن چنین گفت: دیگر اینجا
(کسی)

به ننه - دات (= داده ی ننه) نزدیکتر نیست چون اردوان

۵. آنگاه من به اردوان چنین عرض کردم و چنین گفتم: فرن - خوند
(= فرخند)

خشنودی خدمتکاران (را جلب می کند)

۶. و چون با عجله رد کردم و با نفرت نپذیرفتم پس فرن - خوند

۷. چنین گفت: حال چون خویشاوند همسر (شما) قبول نکرد که تو به (نزد)
مادرت روی

۸. چگونه من ترا همراهی کنم پس صبر کن چنانچه ... خواهد آمد و پس هست
اگر

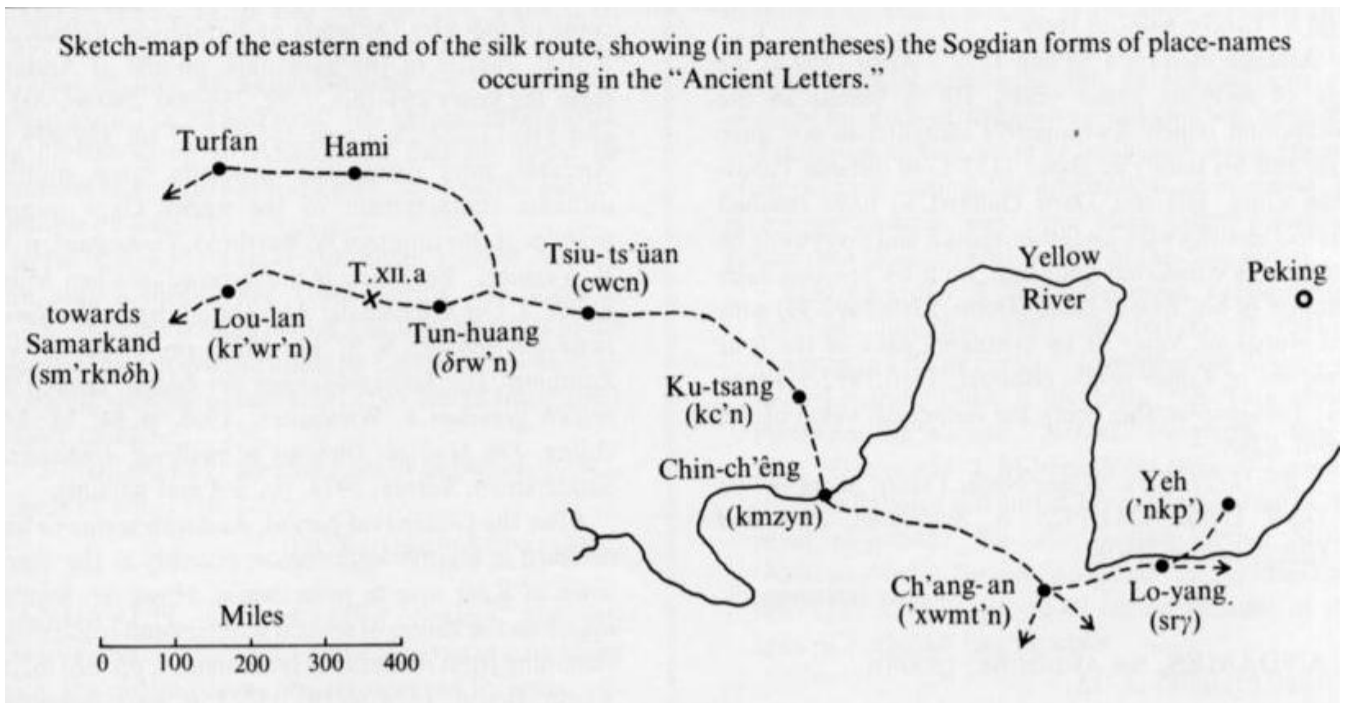
۹. ننه - دات بیاید و بدبخت (در فلاکت) زندگی می کنم بدون پوشاک و
بدون خوراک و
درخواست وام کردم

۱۰. و هیچ کس به من نمد نمی دهد (=کمک نمی کند) و از روحانی خوشی (خبر
خوش) را

هدیه گرفتم پس به من چنین گفت:

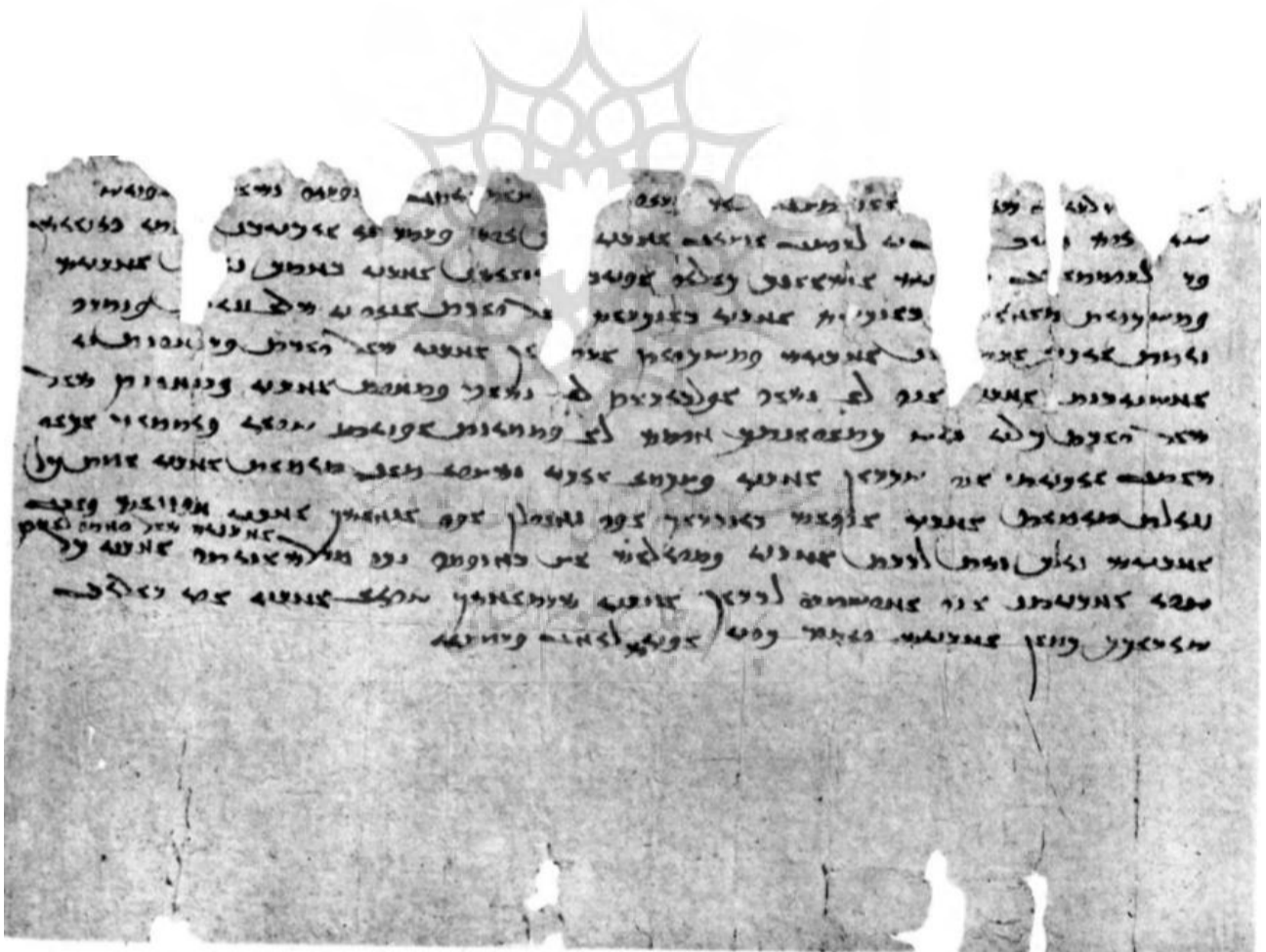
۱۱. اگر بروی من ترا یک شتر خواهم داد پس باشد که مردی (با
تو) بیاید و در راه

۱۲. به خوبی (از تو مراقبت) کند پس باشد که انجام دهد تا اینکه برای
من نامه بفرستی.



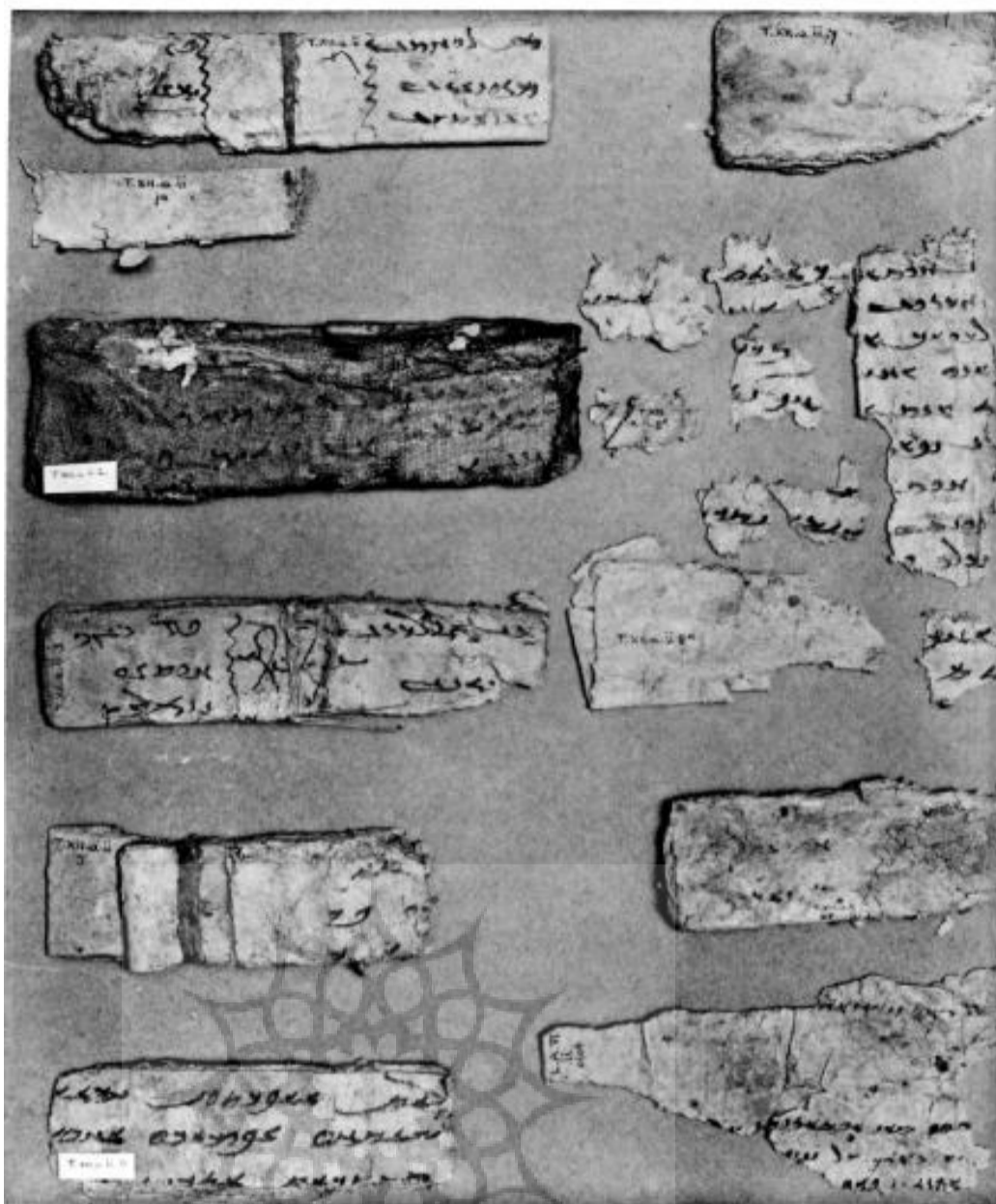
نقشه شماره الف

Sims-williams, Nicholas, ۱۹۹۲, ancient letters Encyclopedia Iranica



Stein, ۱۹۲۱: Vol. ۴, ۳۲۹

تصویر شماره یک



Stein, ۱۹۲۱: Vol. ۴, ۳۳۳

تصویر شماره: دو

منابع فارسی

-قريب ، بدرالزمان : ۱۳۷۴ ، فرهنگ سغدي (سغدي، فارسي، انگليسي) ، تهران: فرهنگان.

-Gerrchevitch , Ilya. , ۱۹۶۱ , A grammar of Manichean Sogdian , Oxford

-Henning , W.B. , ۱۹۴۸ , The date of the sogdian ancient letters, Bulletin of the School of Oriental and Africa Studies, University of London , vol. ۱۲, pp. ۶۰۱ – ۱۰

-Reichelt , Hans , ۱۹۳۱ , Die Soghdischen Handschriftenreste Des Britischen Museums

-Sims – Williams , Nicholas, ۲۰۰۱ , Monks and Merchents, Silk Road Treasures from Northwest china (New York)

-Stein . Aurel , ۱۹۲۱ , Serindia, Detailed report of explorations in central asia

and westernmost china , vo.۲ ، ۴

-www. Agnes Kelecsenyi, A Hungarian on the silk road , The Hungarian

Quarterly, vo.xliii , no. ۱۶۷

-www. Changan , Wikipedia , the free encyclopedia

-www. China view , Xinhua – English

-www. Chinese cities and province

-www. Chinese silk road

-www. Dunhuang , Wikipedia , the free encyclopedia

-www. Exploring Chinese History Geographical Database

-www. Gansu

-www. Gansu – Encyclopedia , History , Geography and Biography

-www. Gansu , Wikipedia , the free encyclopedia

-www. Iranica. com – Henning , Walter Bruno.

-www. Jiuquan , Wikipedia , the free encyclopedia.

-www. loulan , A lost kingdom in Taklamakan.

-www. Notes on the history of Dunhuang.

-www. The ancient state of lou lan.

-www. Sims – Williams , Nicholas , Sogdian Ancient Letters.

-www.Sogdian ancient letters, p.۱

-www.Sogdiana Wikipedia , the free encyclopedia.

-www. The origion of lolan's name.

-www. Ye china , Wikipedia , the free encyclopedia.

بررسی تناسب کیفی معماری موزه

با اموال فرهنگی موجود در آن به منظور ساماندهی عملکرد موزه